



### فهرست مطالب

اشاره ..... Error! Bookmark not defined.

۲ ..... وجوہات اطلاق در ماده

۲ ..... حجیت مثبتات لفظیہ

۳ ..... شش مسلک در یک منظر کلی



بسم الله الرحمن الرحيم

## موضوع: اصول فقه / مقدمه واجب

### اشاره

بحث در این بود که اگر شک کردیم در اینکه یک وجوب، وجوب نفسی یا غیری است، آیا از ظهورات می‌توانیم نفسیت را استخراج بکنیم یا نه؟ عمده محققین می‌فرمایند: بله می‌شود، ولی در طریقتش خیلی باهم تفاوت دارند و روش‌های گوناگونی برای استخراج نفسیت است، افراد کمی هستند که نظرشان این هست که نمی‌شود نفسیت را استخراج کرد، شیخ هم اطلاق ماده را می‌پذیرد، اصالة النفسیه یک امر در مقام ادله اجتهادی و لفظی هست، مشکلی را شیخ در مورد استفاده نفسیت از اطلاق هیئت مطرح کردند، در حل مشکل مرحوم شیخ چندراه بود که ما طی کردیم، استفاده اطلاق را از هیئت میسر هست به یکی از طُرُق چندگانه‌ای که ذکر کردیم.

### وجوہات اطلاق در ماده

چند وجه برای اطلاق در ماده داریم، که این وجوہات می‌گویند: اطلاق هیئت در اینجا مفید نفسیت است، چندراه هم هست که می‌گوید از اطلاق هیئت دست بردارید و به ماده امر بیایید، اینجا هم مهم‌ترینش دو طریق است، که روی اطلاق ماده قرار می‌گیرد نه اطلاق هیئت، وجوهی که می‌گفت خود این هیئت نمی‌تواند اطلاق بپذیرد، اگر این‌ها را هیچ‌کدام نپذیرفتم، بعد می‌آییم رجوع می‌کنیم به وجه پنجم و ششم که اطلاق ماده را می‌خواهند، وجه پنجم از طریق دوم، اطلاق ماده است، مثلاً خود موضوع غسل مس میت، در صورتی که غیری باشد، می‌شود غسل موصول و مقدمه چیزی، ولی اگر نفسی باشد فقط خودش هست و خودش، اطلاق ماده می‌گوید، این غسل بما هُوَ هُوَ را می‌خواهم نه غسلی که مقدمه چیز دیگری است، راه بعدی که بازهم اطلاق ماده هست این است که: ماده این امر مشکوک نمی‌گوییم، بلکه در ماده آن امر، ذی‌المقدمه یقینی را می‌گوییم، اِغْتَسِلْ داریم و صَلِّ داریم، نمی‌دانیم که این اِغْتَسِلْ که گره‌خورده به آن اِغْتَسِلْ، در مسیر صَلِّ هست، تا اینکه بشود وجوب غیری یا اِغْتَسِلْ مستقل هست تا بشود وجوب نفسی.

در طریق ششم می‌فرمایند که: در صَلِّ یک اطلاقی درست می‌کنیم، با آن تکلیف اِغْتَسِلْ را معلوم می‌کنم، این صلاتی که اینجا هست اگر اِغْتَسِلْ از مس میت مثل اِغْتَسِلْ از جنابت، اگر مقدمه نماز باشد، در این صورت اینجا صَلِّ وجوبش مشروط است یا صلاة مسبوق به آن امر قبلی و صلاتی که با آن غسل قبلی انجام شده باشد.

نماز که متعلق تکلیف است، مطلق الصلاة هست ولو اینکه غسل از مس میت نشود یا این نمازی که قبلش آدمی مس میت کرده باشد، باید غسل مس میت بکند و واجب است، نتیجه عقلی این هست که: اِغْتَسِلْ نفسی هست نه غیری.

### حجیت مثبتات لفظیه

سؤال: اصالة الاطلاق می‌گوید: نماز واجب غیر مشروط و غیر متوقف بر این مقدمه هست، بعد هم نتیجه عقلی این هست که: اِغْتَسِلْ نفسی هست نه غیری، این نتیجه عقلی و ترتب عقلی آیا اشکال دارد یا ندارد؟ جواب این هست که مشکلی نیست،



مثبتات اصول لفظیه حجت است، آنی که اشکال دارد؛ مثبتات استصحاب و برائت و امثال این‌ها هست که غالباً می‌گویند حجت نیست، البته در مثبتات هم اختلاف هست و نظرات مختلف دارد.

این بحث همان اصل مثبت هست که در تنبیهات استصحاب آمده و بعضی بزرگان می‌گویند: اگر کسی بتواند اصل مثبت و مثبتات اصول را به‌درستی تشخیص بدهد، مجتهد است، منظور از مثبتات لوازم عقلی و عرفی مدلول یک دلیل، مثلاً می‌گویند: لوازم عقلی و عرفی اصول عملیه و از جمله استصحاب حجت نیست، مثلاً جوانی گم‌شده، استصحاب حیاتش می‌کند پس عقلاً بالغ شده و ریش بر روی صورت رویانده، می‌فرمایند: فقط حیاتش را فقط می‌شود استصحاب کرد، ولی بلوغ و ... نمی‌شود استصحاب کرد، مثبتات و لوازم عقلی و عرفی و عادی مستصحب و اصول عملیه حجت نیست، اما مثبتات و لوازم عقلی و عرفی ادله لفظی، مثل اصالة الظهور حجیت خبر واحد، چیزهایی که جنبه لفظی و استظهارات لفظی دارد، حجت است.

اطلاق صلّ نفسی هست، چه ماده و چه هیئت و لازمه عقلی اینکه نماز متوقف بر این اغتسال نیست، از طرف هم پس اغتسال هم وجوبش نفسی هست نه غیری، دو واسطه می‌خورد در اصول لفظیه، واسطه تا این حد اشکال ندارد.

## نش مسلک در یک منظر کلی

نش مسلکی که گفتیم در یک منظر کلی سه حالت را تبیین می‌کرد:

۱. اطلاق هیئت جایز است
  ۲. اطلاق را در خود ماده این امر مشکوک می‌آوریم
  ۳. اطلاق را می‌بریم در طرف امر مقابل و از آنجا تکلیفش را مشخص می‌کنیم.
- اشکال اصالة الاطلاق برای تعیین نفسیت این است که: در اصل مطلب مشکل داریم و آن این هست که: شما گفتید که اطلاق یعنی نفسیت، ما این نفسیت را قبول نداریم، علتش هم این است که: صحیح است که واجب غیری و نفسی کمی باهم تفاوت دارند، واجب غیری آن هست که یجب لغیره، واجب نفسی آن هست که یجب لا لغیره و چون تقریر شما این بود که اطلاق گاهی دو طرف را می‌گیرد.
- ولی گاهی اطلاق مواجه با دو طرفی هست که نمی‌شود، هر دو را بگیرید فقط یکی را باید بگیرید، یکی از این تقسیم‌ها مؤونه کمتر دارد، قیدش حالت عدمی دارد و لذا اطلاق عدم قید می‌شود بر آن قسمی که مقومش عدم القید است، درست هست این دو قسم کمی باهم تفاوت دارند ولی یک‌طرف نفی مطلق نیست، بلکه عدم الملكه هست با موضوع وجودی؛ یعنی شما می‌گویید واجب غیری آن چیزی هست که وجوب لغیره دارد، واجب نفسی هم واجبی است لا لغیره هست و لنفسه هست، این لا لغیره سلب مطلق نیست، یک حالت عدم و ملکه دارد، عدم و ملکه در حقیقت یک قید وجودی هست، آیت‌الله فاضل فرموده‌اند: در اَعْتَق رَقَبَةً مؤمنه دارید یک رَقَبَةً کافره، ایمان و کفر هم عدم و ملکه هست، ایمان یک امر وجودی است و کفر یعنی نبود آن درجایی که امکانش هست، اَعْتَق رَقَبَةً هر دو را در برمی‌گیرد، نمی‌شود گفت اینجا یکی عدمی مطلق هست و یکی هم وجودی، در صورتی که هر دوی این‌ها وجودی هست.